

مشکلات و نابسامانیهای شخصی و بدنبال آن اجتماعی از آنجا ریشه می گیرد که یک شهروند به طور جزئی، و شهروندان به طور کلی نمیخواهند آن چیزی را که دیگر احتیاجی به آن نیست رها کنند؛ یا آن چیزی را که برای رشد خود احتیاج دارند بپذیرند. نتیجه این روش تفکر این است که ملتی خود را درانبوهی از مشکلات فرهنگی، و اجتماعی غرق میکند که همچنین به گرد دایره باطلی میگردد که گریز از آن امری غیرممکن به نظر میرسد. برای مثال اگر بازده سی سال مبارزه سازمانهای اپوزیسیون، شورشهای کوچک و بزرگ در خیابانهای شهرهای کشورمان تقریباً صفر بوده است، بنابراین خرد حکم میکند که دلیل و دلایل این ناکامیها را درون خود جستجو کنیم.

در این تردید نیست که رژیم و حکومت اسلامی در ایران، و گروه ها و سازمانهایی که نقش اپوزیسیون را در برابر این رژیم بازی میکنند هر دو به یک بن بست رسیده اند. رژیم اسلامی هیچ راهی ندارد بجز اینکه در همین بن بست پشت دیواری که خود بجود آورده است بماند. ولی مخالفان این رژیم با همه پراکندی، که باز هم خود مسئول آن هستند، میتوانند این دیوار را بشکنند، و یا بهتر از آن با یک حرکت ۱۸۰ درجه ای به زمان و مکانی برگردند که شروع مبارزاتشان بوده است. آغازی نو.

به نظر میرسد تنها یک جنبش ملی که هیچ راهی ندارد بجز اینکه ضد اسلامی هم باشد میتواند این رژیم را براندازد، و از پایگیری رژیمی دیگر، به ظاهر متفاوت ولی در اصل متشابه رژیم کنونی، یعنی بنا بر باورهای مذهبی (بخوانید اسلامی) مردم جلوگیری کند. همچنین بدنبال براندازی حکومت اسلامی در ایران میباید یک تضمین اجتماعی وجود داشته باشد که در آینده از رشد هر نوع ایدئولوژی آزادی کش و آخوند پرور جلوگیری شود.

برای شروع، کسانی که دم از «مقدسات» این مردم میزنند به روشنی بگویند این ارزشها چیست که ملتی را و میدارد، میهن، شرف انسانی و ملی خود را در حفظ آنها بر باد دهد. آیا بیگانه پرستی، ارج نهادن به ویران کنندگان فرهنگ راستینشان و کشتار کنندگان نیاکانشان، و پیروی از آیین و قوانینی که چندین سده پیش برای بیابان نشینان عرب بوجود آمد ارزشهای راستین ایرانیان است؟ اگر پاسخ آری است بنابراین سخن گفتن از «آزادی»، «مردمسالاری»، «مردمگرایی» و «سکولاریسم» برای چیست؟ اسلام آیینی رودر رو با ارزشهایی است که ایرانی سده ها قبل از آن به آنها پایبند بود، باری برای همین هم بود که مسلمانان از همان آغاز کمر بستند که هر آنچه را که بوی ایران و ایرانی میدهد نابود کنند. «مقدسات» یعنی «ارزشهای معنوی»، که همان نیک اندیشیدن، نیک گفتن و کردار نیک است، البته این سه، به طور اصولی، نه باید و نه میتواند تنها به مذهب و یا مذاهب ویژه ای ارتباط داشته باشد، بلکه پایه های درست اندیشیدن و وجدان بشری است. بسیاری از ایرانیان این ارزشها را در مذهبی بیگانه (بخوانید اسلام) جستجو میکردند و هنوز میکنند. دین میتواند وجدان درونی انسان را پرورش بدهد، ولی این مهم در مورد هر دینی صدق نمیکند؛ و حتی مذاهبی مانند اسلام میتوانند وجدان انسانی را چنان بیمار کنند که هر نوع عمل ناشایست را برای مؤمنین شایسته جلوه بدهد، از کلاه شرعی سر همدیگر گذاشتن تا سنگسار یک انسان. البته دوران اسلامی

به روشنی نشان داده است که این مذهب نه توانسته است و نه میتواند انسان را به ارزشهای معنوی آموزش دهد، به خصوص اگر بخواهیم چهره های صدراسلام را الگو قرار بدهیم. بنابراین انتقاد از اسلام و روشنگری هیچ رودررویی با مقدسات باطنی ما ایرانیان و به طور کلی انسانها نیست. این «تقدیس بازیها» تنها دکان دین است و هیچ ارزش معنوی و انسانی در آن یافت نمیشود. خوب، اگر بر آنچه در این سی سال بر ما آمده است این درس تاریخی را نیاموخته‌ایم، سی هزار سال دیگر هم نخواهیم آموخت.

شاید ما ایرانیان امروز از هوشمندترین، والاترین، متمدن‌ترین، با فرهنگ‌ترین و...مردم جهان نباشیم، ولی از سویی ما یکی از «خوش‌شانس‌ترین» مردم جهان هستیم. چرا؟ شاید هیچ کشوری در جهان کنونی ما وجود نداشته باشد که ملتش توانسته باشند تاریخ گذشته کشورشان را به چنین روشنی ببینند، که بنظر میرسد «ماشین زمان» ما را به عمق تاریخمان پرتاب کرده است تا جایی برای تردید در آنچه که گذشته است باقی نماند. آنچه که امروز در ایران میگذرد درست آئینه تحولاتی است که هزار و چهارصدسال پیش با حمله تازیان به کشورمان شروع شد. در آن زمان، مانند نزدیک به سه دهه پیش، برخی از ایرانیان که پیچ و مهره دستگاه حکومتی وقت (ساسانیان) بودند به آن پشت کردند و راه را برای چیره شدن تازیان تازه مسلمان شده بر کشورمان نشان دادند و فرش کردند؛ و چه بسا بطور مستقیم در آن شرکت داشتند. کسانی که امروز میاندیشند، هزار و چهارصد پیش تازیان مسلمان پس از تسخیر کشورمان شروع به پخش نقل و نبات کردند بهتر است در باره جامعه اسلامزده کنونی کمی تامل کنند؛ چشم باز کنند و ببینند که چگونه دختران این سرزمین را در کشورهای عربی بفروش میگذارند؛ درست همان وقایعه‌ای که چهارده سده پیش رخ داد. تاریخ راه درست به آینده را به بشریت نشان میدهد، ولی تنها خرد انسان است که میتواند این راه را برگزیند.

نادر اکبری

akbarimail@yahoo.es